

بررسی حق تصحیح رسانه‌ای در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

دکتر علی مراد حیدری*

چکیده

هدف از مقاله حاضر که به شیوه اسنادی صورت گرفته، بررسی سازوکارهای ملی و بین‌المللی اعمال حق تصحیح و مشخص کردن برخی از ایرادها و نقدهای وارد شده به آنهاست. حق پاسخ و تصحیح اخبار و گزارش‌ها و مطالب نادرستی که از سوی مطبوعات و رسانه‌های پخش (راديو و تلویزیون) انتشار می‌یابد و به حیثیت و اعتبار اشخاص حقیقی و حقوقی لطمه وارد می‌کند، در ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته و قوانینی برای تحقق آن به تصویب رسیده است که با وجود مشکلات متعدد، گامی مثبت در جهت حمایت از حقوق مخاطبان و روشی مناسب برای دفاع از حیثیت و شرافت افراد تلقی می‌شود. اما سازوکارهای بین‌المللی حق تصحیح بویژه سازوکار ارسال اطلاعیه که در کنوانسیون بین‌المللی حق تصحیح پیش‌بینی شده ناکارآمد و فاقد ضمانت اجرایی لازم است. از این رو، تصویب مقررات جهانی کارآمدتر برای اعمال حق تصحیح مانند نوعی سازوکار کنترل بین‌المللی، بر اساس اصل الزام دولت‌ها به اعلان و انتشار تخلفات امری ضروری است.

کلید واژه: رسانه‌های پخش، مطبوعات، حق تصحیح، حق پاسخ، احقاق حق

* دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، استادیار دانشگاه حضرت معصومه (س) و پژوهشگر پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، قم
Email: heydarilaw@gmail.com

پذیرش نهایی: ۹۰/۱۱/۲۴

تجدید نظر: ۹۰/۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۶

مقدمه

حق تصحیح^۱ و پاسخ^۲ به مطالب اهانت‌آمیز و خلاف واقع که در رسانه‌های عمومی منتشر می‌شود، اقدامی است که به منظور حمایت از حقوق مخاطبان و دفاع از حیثیت و اعتبار اشخاص حقیقی و حقوقی صورت می‌گیرد. در ایران، برابر ماده ۹ لایحه قانونی مطبوعات، مصوب دهم مرداد ۱۳۳۴ مجلس شورای ملی، حق پاسخگویی به رسمیت شناخته شده بود؛ پس از انقلاب نیز برابر ماده ۲۳ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ حق تصحیح در رسانه‌های چاپی به رسمیت شناخته شد اما در مورد رسانه‌های پخش، حق تصحیح رسانه‌ای در سال ۱۳۸۸ و به موجب ماده واحده طرح الحاق یک ماده و چهار تبصره به قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (قانون احقاق حق) رسمیت یافت و مراحل سه‌گانه اعتراض به سازمان صداوسیما، مراجعه به شورای نظارت بر صداوسیما و مراجعه به شعبه خاص دادگاه برای احقاق حق رسانه‌ای پیش‌بینی شد. در سطح بین‌المللی، در بسیاری از کشورها، حق تصحیح به عنوان حق اساسی یا قانونی به رسمیت شناخته شده و اسناد منطقه‌ای همچون کنوانسیون‌های امریکایی و اروپایی حقوق بشر حق تصحیح رسانه‌ای را مورد توجه قرار داده‌اند. افزون بر این، کشورهای عضو کنوانسیون بین‌المللی حق تصحیح، می‌توانند به مطالبی که موجب کسر حیثیت و اعتبار آنها شده یا به روابطشان با دولت‌های دیگر لطمه زده، اعتراض کنند و با ارسال اطلاعیه، از کشور محل پخش خبر یا گزارش تصحیح آن را بخواهند و در صورت امتناع آن دولت، به دبیرکل سازمان ملل اطلاع دهند تا اقدام رسانه‌ای برای تصحیح صورت گیرد.

۱. چهارچوب مفهومی

ورود بی چون و چرا و غیر قابل اجتناب رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی به ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی و تأثیر پیام‌های رسانه‌ای بر شکل‌دهی به تصورات، دیدگاه‌ها و طرز فکر مخاطبان بر کسی پوشیده نیست. از سوی دیگر، روند مشارکت مخاطبان و دوسویه شدن فعالیت‌های رسانه‌ای، مستلزم رعایت هر چه بیشتر حقوق مخاطبان است.

1. right of correction

2. right of reply

از جمله این حقوق، شناسایی «حق پاسخ» رسانه‌ای برای اشخاصی (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) است که حیثیت و اعتبار آنان با اظهارات نادرست و ادعاهای بی پایه یا توهین‌آمیز در رسانه‌ها خدشه‌دار شده است. از این رو، با توجه به قدرت تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی بر افکار عمومی و زندگی افراد، حق پاسخ برای مخاطبان به منظور حفاظت از آبرو، حیثیت و اعتبار آنان امری ضروری است. به عبارت دیگر، لازم است تضمینی قضایی وجود داشته باشد که از آبرو، حیثیت و اعتبار افراد با به کار گرفتن وسایل مناسب از طریق اصلاح، پاسخ و سایر اقدامات مشابه حمایت شود. بنابراین، پاسخ به معنای تضمین طبیعی، اصلی و مهم و عنصر قانونی دفاع مشروع از حیثیت، شأن و مقام، شرف، آبرو و اعتبار و حریم خصوصی است (کتاب راهنمای آزادی^۱، ۱۹۹۳، ماده ۱۹).

از سوی دیگر، در سطح بین‌المللی نیز، ممکن است گزارش‌های خبری که از سوی خبرنگاران یا سازمان‌های اطلاع‌رسانی بین‌المللی، از یک کشور به کشور دیگر منتقل می‌شود، دروغ یا تحریف شده باشد و موجب آسیب رساندن به روابط یک کشور با کشور دیگر یا لطمه زدن به اعتبار یا سربلندی ملی یک کشور شود. از این رو، شناسایی «حق تصحیح» و پاسخ برای کشورها در برابر گزارش‌های خبری نادرست یا طراحی شده به منظور آشفته کردن روابط بین‌المللی، برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی امری ضروری خواهد بود.

در مورد کاربرد دو اصطلاح حق پاسخ و حق تصحیح، بعضی از کشورها مانند فرانسه، با تفکیک کاربرد این دو، «حق پاسخگویی^۲» را در مورد افراد عادی و «حق اصلاح^۳» را برای مقامات دولتی مورد استفاده قرار داده‌اند. گاه نیز از این حق با عنوان «حق جواب دادن^۴» تعبیر می‌شود اما اصطلاح «حق تصحیح» کاربرد بیشتری دارد و در اغلب نوشته‌های حقوقی، در معنایی اعم از اصطلاحات پیشین به کار می‌رود، به گونه‌ای که حق پاسخ محدود به انتشار اظهارات متضرر است، ولی حق تصحیح، انتشار اظهارات متضرر و کسی که مطالب نادرستی را اظهار کرده، در بر می‌گیرد (قانون مطبوعات فرانسه، ۱۸۸۱، ماده ۱۲ و ۱۳).

1. handbook of freedom

2. droit de response

3. droit de rectification

4. right of reply

۲. مبانی حق تصحیح

در مورد حق تصحیح، مشکل اصلی به رابطه حق تصحیح با آزادی اطلاعات برمی‌گردد و دلایلی مورد نیاز است که اعمال حق تصحیح را توجیه کند. مخالفان معتقدند، حق تصحیح موجب خواهد شد، دولت‌های مداخله‌گر، بیش از حد و به نحوی گسترده، در اصلاح اخبار، نظارت و اعمال سلیقه کنند. بایرون وایت^۱ از دادگاه عالی ایالات متحده^۲ معتقد است، روزنامه‌ها باید از اصلاحاتی که دولت در نظر می‌گیرد، آزاد باشند و از اینکه دولت آشکارا یا به طور پنهانی انحصار زیادی را به اتاق‌های خبری (رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها) تحمیل کند اظهار نگرانی کرده است (یوم^۳ و مارشال^۴، ۲۰۰۹، ص ۱۰۱۷).

در سال ۲۰۰۳، کمیسیون امریکایی حقوق بشر به ادامه بحث و مناقشه پیرامون حق پاسخ در تضاد با آزادی مطبوعات توجه کرد؛ از یک طرف، حق پاسخ به عنوان موضوعی برای محدود کردن آزادی بیان مورد انتقاد قرار گرفت، زیرا رسانه‌های خبری، ملزم به فراهم کردن زمان و مکان^۵، برای اطلاعاتی شده‌اند که از نظر هیئت تحریریه و سردبیران آنها پذیرفتنی نیست و از طرف دیگر، به حق تصحیح از نظر گسترش آزادی بیان «از طریق پرورش جریان اطلاعات بیشتر» نگاه می‌شود. در نهایت، تنش میان حق پاسخ و آزادی مطبوعات موجب شد، کمیسیون به این نتیجه برسد، که حق پاسخ باید برای جلوگیری از زیر پا گذاشته شدن آزادی بیان مورد بررسی دقیق قرار گیرد (سانتان^۶ علیه ونزوئلا^۷، ۲۰۰۳، ش ۴۵۳/۰۱).

در مقابل، طرفداران حق تصحیح معتقدند، نه تنها منافاتی بین حق تصحیح و آزادی بیان وجود ندارد، بلکه حق تصحیح، تضمین‌کننده آزادی بیان است. چنان که دادگاه حقوق بشر اروپا اعلام کرد که حق پاسخ عنصر مهم آزادی بیان است، زیرا افراد در برخورد با اطلاعات خلاف حقیقت، نیازمند مخالفت کردن هستند (ملنیکوک^۸ علیه اکراین^۹، ۲۰۰۵، ش ۲۸۷۴۳/۰۳). هیئت وزیران شورای اروپا نیز حق پاسخ را به عنوان جایگزینی برای بیان انزجار پیشنهاد کردند (شورای اروپا، ۱۹۹۷، ش ۹۷).

1. Byron White

2. U.S. supreme court

3. Youm

4. Marshall

5. time and space

6. Santana

7. Venazuela

8. Melnychuk

9. Ukraine

تأثیر مثبت حق پاسخ در مطبوعات از این روست که هم به عنوان راهی برای رونق بازار ایده‌ها و یکپارچه کردن رابطه بین رسانه‌های خبری و مطالب و وقایع خبری آنها تلقی می‌شود و هم ابزاری برای تأمین دفاع فوری و سریع از افرادی است که از مطالب مطبوعات آزرده و رنجیده شده‌اند. کمیسیون آزادی مطبوعات نیز که یک نهاد مستقل و غیر دولتی در ایالات متحده است، قانونگذاری برای حق پاسخ را به عنوان ابزاری قانونی برای کمک به مطبوعات آزاد از موانع اقتصادی و تجاری به جای درخواست شکایت قانونی، پیشنهاد داده و تجویز کرده است. آمارها نشان می‌دهد که در طول این سال‌ها، دسترسی به رسانه‌ها به طور کلی و حق پاسخ به طور خاص، برای افراد و عموم مردم، هزینه‌های دولت را در ایالات متحده امریکا کاهش داده است (یوم و مارشال، ۲۰۰۹، ص ۱۰۱۹). از این رو در اکثر کشورها، اعتبار حق تصحیح اگر بالاتر از آزادی بیان نباشد، به عنوان بخشی از شأن و منزلت انسانی همانند آزادی مطبوعات به افراد اعطا شده است (همان، ص ۱۰۶۲).

مبحث اول: حق تصحیح رسانه‌ای در حقوق داخلی

در حقوق داخلی، حق تصحیح در رسانه‌های چاپی (مطبوعات)، متفاوت از حق تصحیح در رسانه‌های پخش (رادیو و تلویزیون) است و قوانین مختلفی را شامل می‌شود که به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند:

گفتار اول: حق تصحیح در رسانه‌های چاپی

مستند قانونی حق تصحیح در رسانه‌های چاپی، ماده ۲۳ قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ (اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰)^(۱) مقرر می‌دارد: هر گاه در مطبوعات مطالبی شامل، توهین یا افترا یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذی‌نفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه به شکل کتبی برای همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است این گونه توضیحات و پاسخ‌ها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود، در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است، مجانی به چاپ برساند، به شرط آنکه جواب از دو برابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افترا به کسی نباشد.

تبصره ۱. اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور، مطالب یا توضیحات مجددی چاپ کند، حق پاسخگویی مجدد برای معترض باقی است. درج قسمتی از پاسخ به صورتی که آن را ناقص یا نامفهوم سازد و همچنین افزودن مطالبی به آن، در حکم عدم درج است و متن پاسخ باید در یک شماره درج شود.

تبصره ۲. پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شماره نشریه درج گردد. به شرط آنکه حداقل ۶ ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه پاسخ به دفتر نشریه تسلیم و رسید دریافت شده باشد.

تبصره ۳. در صورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد، شاکی می‌تواند به دادگستری شکایت کند و رئیس دادگستری در صورت احراز صحت شکایت جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می‌کند و هر گاه این اخطار مؤثر واقع نشود، پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد به دادگاه ارسال می‌کند.

تبصره ۴. اقدامات موضوع این ماده و تبصره‌های آن نافی اختیارات شاکی در جهت شکایت به مراجع قضایی نمی‌باشد.

تحلیل حقوقی. در مقام نقد و بررسی این مقرره، نکات زیر دارای اهمیت است:

۱. از نظر این قانون، حق پاسخ متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی است و همچون بسیاری از کشورهای دیگر (نقل از فلانز^۱، ۲۰۰۵، ماده ۳۷/۴) همان گونه که افراد حق پاسخ دارند، اشخاص حقوقی نظیر سازمان‌ها، ادارات و نهادهای دولتی و عمومی نیز از این حق برخوردارند.

۲. در این قانون تنها «ذی‌نفع» (یعنی کسی که از اظهارات دیگران متضرر شده و از اعمال حق پاسخ منتفع می‌شود) حق پاسخ دارد در حالی که در قانون فرانسه، علاوه بر ذی‌نفع، خود اظهارکننده یا حتی خود اصحاب رسانه نیز که از بیانات نادرست آنان لطمه حیثیتی به کسی وارد شده، ملزم به تصحیح اظهارات خود هستند و حتی این حق، در دسترس همه کسانی که به ارتکاب جرم، متهم و بعد از آن تبرئه شده‌اند، قرار می‌گیرد^(۲) (پاراسکوس^۲، ۱۹۹۸، ص ۷۹).

1. Flanz

2. Paraschos

۳. در ماده ۲۳، حق پاسخ دارای محدودیت زمانی یک ماهه است. هر چند اصل تعیین محدوده زمانی و در نظر گرفتن مرور زمان پاسخ، امری لازم است، محدوده زمانی یک ماهه و پذیرفته نشدن پاسخ بعد از یک ماه، کافی به نظر نمی‌رسد؛ چه بسا متضرر فرصت اطلاع از انتشار مطالب علیه خود را پیدا نکند یا برای تدارک پاسخ آمادگی نداشته باشد. از این رو در قانون فرانسه حق پاسخ، محدوده زمانی یک ساله دارد (سولال^۱، ۱۹۷۴، ص ۶۸).

۴. برابر ماده ۲۳، نشریه مزبور موظف است توضیحات و پاسخ‌ها را در «یکی از دو شماره‌ای» که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود، در همان صفحه و ستون و با همان حروفی که اصل مطلب منتشر شده است، به چاپ برساند. مشکلی که در این زمینه وجود دارد، انتشار مطالب شامل توهین، افترا یا خلاف واقع و یا انتقاد در ویژه‌نامه است. توضیح آنکه در تبصره ۱ ماده ۱ قانون مطبوعات، انتشار فوق‌العاده از سوی نشریه‌ای که به طور مرتب انتشار می‌یابد مجاز دانسته شده است. همچنین برابر ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۸۱/۶/۱۷) انتشار فوق‌العاده - ویژه‌نامه و دیگر ضمایم با همان نام نشریه و منطبق با سایر مشخصات مندرج در پروانه انتشار با رعایت سایر ضوابط قانون مطبوعات مجاز است. اما مشکل این است که با توجه به نامنظم بودن و فاصله زمانی انتشار ویژه‌نامه، در قانون مطبوعات یا آیین‌نامه اجرایی، مشخص نشده که نحوه چاپ پاسخ در برابر مطالب ویژه‌نامه به چه صورت است، آیا باید در ویژه‌نامه بعدی چاپ شود یا در نشریه اصلی؟ این مشکل در مورد نشریه اجاره‌ای^(۳) نیز به گونه دیگری مطرح است به این معنی که مشخص نیست تکلیف درج پاسخ و ضمانت اجرای آن، بعد از انقضای مدت اجاره بر عهده چه کسی است؟ (ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات).

۵. برابر ماده ۲۳، دامنه مطالب پاسخ محدود و مشروط به این است که پاسخ، از دو برابر اصل تجاوز نکند؛ اما گاهی ممکن است مطالب غیر واقعی متعدد باشد و پاسخ به آنها در محدوده دو برابر امکان‌پذیر نباشد. در بعضی کشورها در این گونه موارد، به افرادی که پاسخشان بیش از محدودیت قانونی است، پیشنهاد می‌شود مطالب اضافی را با پرداخت هزینه درج کنند (قانون مطبوعات فرانسه، ۱۸۸۱، ماده ۱۲ و ۱۳). این شیوه

روش مناسبی برای اطمینان از احقاق حق متضرر است و پیش‌بینی آن در قانون مطبوعات ایران، تأمین‌کننده حق پاسخ است.

۶. در حقوق برخی کشورها از جمله فرانسه، در مورد مطبوعات - برخلاف رادیو و تلویزیون - در هیچ حق پاسخی، عکس‌های موجود منتشر نمی‌شود (ماندولونی^۱، ۲۰۰۶، ص ۲۲۵). گرچه این موضوع در ماده ۲۳ قانون مطبوعات مورد تصریح قرار نگرفته است و مشخص نیست در صورتی که پاسخ متضمن چاپ عکس باشد، آیا امکان چاپ آن وجود دارد یا نه، با توجه به ظاهر ماده و عبارت «در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است» به نظر می‌رسد در قانون ایران نیز امکان چاپ عکس در متن پاسخ وجود ندارد.

۷. در ماده ۲۳ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ حق پاسخ محدود به رسانه‌های چاپی (مطبوعات) کاغذی بود و در مورد رسانه‌های موجود در فضای مجازی (رسانه برخط یا آن‌لاین) حکم صریحی وجود نداشت. البته این امر، نقص قانون مطبوعات آن زمان محسوب نمی‌شد چنان که در سایر کشورها نیز حق پاسخ در محیط جدید رسانه‌ای به تازگی مورد پذیرش قرار گرفته است. حتی کمیته وزرای شورای اروپا^۲ نیز در سال ۲۰۰۴ پیشنهاد اصلاح تصویب نامه ۱۹۷۴ را در مورد حق پاسخ مطرح کرد تا منعکس‌کننده این حق در فضای اینترنت و سایر فناوری‌های ارتباطاتی باشد. همچنین پارلمان اروپا به همراه هیئت وزیران شورای اروپا در سال ۲۰۰۶ پیشنهاد حق پاسخ رسانه‌های برخط را پذیرفت و مقرر داشت حق پاسخ بخصوص راه‌حل و چاره‌ای مناسب در محیط برخط است. به دلیل اینکه برای یک پاسخ سریع اجازه می‌دهد تا با اطلاعات و فناوری‌های آسان با ضمیمه کردن پاسخ اشخاصی که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، رقابت کند (سولو^۳، ۲۰۰۷، ص ۳۷).

دولت فرانسه نیز در ماه مارس سال ۲۰۰۷، پیش‌نویس تصویب‌نامه اجرای حق پاسخ قانون اقتصاد الکترونیکی را در خصوص دستورالعمل تجارت الکترونیک اتحادیه اروپا به کمیسیون اروپا ارائه کرد (مار^۴، ۲۰۰۷، ص ۲۸). در قانون مطبوعات ایران نیز قانونگذار در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۳۰ با افزودن تبصره ۳ به ماده ۱ قانون مطبوعات اعلام کرد: «کلیه

1. Mondoloni 2. Committee of Ministers of the Council of Europe 3. Solove

4. Mar

نشریات الکترونیکی^(۴) مشمول مواد این قانون است» بنابراین، اعمال حق پاسخ در نشریات الکترونیکی نیز امکان‌پذیر است.

۸. با توجه به ماهیت نشریات الکترونیکی و امکان حذف مطالب غیر واقعی از تارنمای نشریه، به نظر می‌رسد به رسمیت شناختن حق انصراف از پاسخ در قبال توافق مسئول سایت برای تغییر یا محو مطالب مورد اعتراض، راهکار مناسبی به جای حق پاسخ باشد، موضوعی که در پیش‌نویس تصویب‌نامه اجرای حق پاسخ قانون اقتصاد الکترونیکی کمیسیون اروپا به چشم می‌خورد. همچنین در پیش‌نویس تصویب‌نامه تصریح شده است که اگر سایت اینترنتی از فرصت دادن برای پاسخ مستقیم از طریق اتاق‌های گفتگو و محل‌های تبادل نظر امتناع و با آن مخالفت کند، حق پاسخ اعطا خواهد شد (همان، ص ۴۳).

گفتار دوم: حق تصحیح در رسانه‌های پخش

بر خلاف کشورهایمانند امریکا که حق پاسخ، در قانون رادیو و تلویزیون آنها تصویب شده است ولی در مورد رسانه‌های چاپی به تصویب نرسیده است، در ایران حق پاسخ در مطبوعات چاپی، قدمتی بیش از رسانه‌های پخش یعنی رادیو و تلویزیون دارد و در حالی که قانون مطبوعات در سال ۱۳۶۴ حق پاسخ را به رسمیت شناخته بود، خلأ قوانین مربوط به رادیو و تلویزیون در مورد حق تصحیح با ماده واحده «طرح الحاق یک ماده و چهار تبصره به قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۲) مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۷ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۳ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، به تأیید رسیده بود، جبران شد. به موجب این ماده واحده «یک ماده و دو تبصره به شرح زیر به قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۶۲/۲/۲۷ به عنوان ماده (۳۰) افزوده و شماره ماده (۳۰) به (۳۱) اصلاح می‌شود:

ماده ۳۰- چنان که در برنامه‌های پخش شده سازمان (اعم از خبری، گزارشی، تولیدی در قالب‌های مختلف بیانی- تصویری و نمایشی) از شبکه‌های محلی، سراسری و بین‌المللی و یا در اطلاعیه‌های صادره از سوی آن سازمان، مطالبی شامل توهین، افترا یا خلاف واقع نسبت به هر شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) بیان شده باشد یا به هر

نحوی اظهارات اشخاص تحریف شود، مراحل زیر برای احقاق حق طی خواهد شد.
- مدعی می‌تواند اعتراض خود را به طور کتبی به سازمان صداوسیما منعکس کند.
سازمان صداوسیما در صورت قبول اعتراض، ظرف ۲۴ ساعت پاسخ را به صورت عادلانه، طی زمانی حداقل دو برابر زمان اصل مطلب که از پنج دقیقه کمتر نباشد در همان برنامه و ساعت و در همان شبکه به طور رایگان پخش کند.

- در صورت نبود توافق میان معترض و سازمان صداوسیما، وی می‌تواند موضوع را برای رسیدگی به شورای نظارت بر سازمان صداوسیما به عنوان مرجع تشخیص وقوع توهین، افترا، تحریف یا خلاف واقع منعکس نماید و شورای نظارت نیز موظف است در اسرع وقت (حداکثر ۴۸ ساعت) به مسئله رسیدگی کند و در صورتی که حق را به ذی‌نفع داد، نظر خود را به سازمان صداوسیما ابلاغ کند سازمان صداوسیما نیز موظف است پاسخ ذی‌نفع را مشروط به آنکه متضمن توهین و افترا به کسی نباشد، طی زمانی حداقل دو برابر مدت در نظر گرفته شده برای مطلب اصلی که نباید از پنج دقیقه کمتر باشد تا حداکثر ۲۴ ساعت پس از دریافت پاسخ، در همان برنامه و ساعت از همان شبکه به طور رایگان پخش کند.

- شورای نظارت موظف است برای تحقق وظایف مندرج در این قانون سازوکار لازم را فراهم سازد.

- چنانچه سازمان صداوسیما از اجرای مصوبه شورای نظارت خودداری کند و یا شاکی نسبت به نظر شورای نظارت معترض باشد، بنابر شکایت شاکی، شعبه خاصی که به این منظور تشکیل می‌شود، نسبت به موضوع، خارج از نوبت (حداکثر طی یک هفته) رسیدگی و حکم مقتضی را بر اساس این قانون صادر خواهد کرد. صداوسیما مکلف است حکم دادگاه را ظرف مدت ۲۴ ساعت اجرا کند. در غیر این صورت، متخلف به مجازات مستنکف از اجرای حکم دادگاه محکوم خواهد شد.

تبصره ۱. اگر سازمان علاوه بر پخش پاسخ یاد شده، مطالب یا توضیحات مجددی را که متضمن افترا یا توهین است، پخش کند، ذی‌نفع حق پاسخگویی دوباره دارد. پخش قسمتی از پاسخ یا افزودن مطالبی به آن در حکم خودداری از پخش است.

تبصره ۲. مصوبه مذکور مانع از پیگیری مستقیم شاکی نسبت به سایر جهات کیفری از طریق دادگاه نخواهد بود.

تحلیل حقوقی. در مقام نقد و بررسی ماده واحده «طرح الحاق یک ماده و چهار تبصره به قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» که گاه از آن با عنوان قانون احقاق حق یاد می‌شود، جدای از بار مالی و «مشکلات اجرایی فراوانی» که این طرح به دنبال خواهد داشت: «به نحوی که خلل جدی به وظایف اصلی صداوسیما وارد می‌سازد» (اسماعیلی، ۱۳۸۹)، نکات زیر دارای اهمیت است:

۱. بر خلاف ماده ۲۳ قانون مطبوعات که حق پاسخ در برابر «انتقاد» - که اغلب منعکس‌کننده نظر و عقیده شخصی منتقد است - را به رسمیت شناخته، در قانون احقاق حق، تنها در برابر مطالبی که شامل توهین، افترا یا خلاف واقع نسبت به شخص است و یا به هر نحوی موجب تحریف اظهارات اشخاص می‌شود، حق تصحیح و پاسخ به رسمیت شناخته شده است. توضیح اینکه در بسیاری از قوانین ملی همچون آلمان و اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی همچون کنوانسیون تلویزیون فرامرزی اروپا مصوب ۱۹۸۹ (دستورالعمل تلویزیون فرامرزی^۱، ۱۹۸۹، ماده ۲۳) و کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (کنوانسیون امریکایی حقوق بشر^۲، ۱۹۶۹، ماده ۱۴)، حق پاسخ، محدود به اظهاراتی است که «گزارش از وقایع» نادرست شمرده می‌شود و در مورد «اظهار عقیده و نظر» شخصی حق تصحیح وجود ندارد، و به طور اساسی تفاوت مهم میان کشور فرانسه و آلمان - که دو کشور پیشرو در حق تصحیح هستند، این است که حقوق فرانسه هیچ تفاوتی بین اظهارات واقعی و نظرها قایل نمی‌شود در حالی که حقوق آلمان به اظهارات واقعی محدود شده است (یوم و مارشال، ۲۰۰۹، ص ۱۰۶۷). بنابراین، از این لحاظ، قانون مطبوعات مشابه قانون فرانسه و قانون احقاق حق، مشابه قانون آلمان است که صرف نظر از برتری هر کدام، دوگانگی در رویکرد قانونی موضوع مشابه قابل پذیرش نیست.

۲. بر خلاف قانون مطبوعات که حق پاسخ در آن محدودیت زمانی یک ماهه دارد و از این لحاظ مورد انتقاد است و نوعی تفریط تلقی می‌شود، در قانون احقاق حق، هیچ محدوده زمانی برای پاسخ در نظر گرفته نشده و تنها سازمان صداوسیما موظف شده است ظرف ۲۴ ساعت از زمان دریافت پاسخ و قبول اعتراض آن را پخش کند. وضع

1. Council Directive on Transfrontier Television

2. American Convention on Human Right

نشدن مرور زمان احقاق حق، دارای اشکال و نوعی افراط است و امکان سوءاستفاده از این حق را فراهم می‌آورد. این در حالی است که برای مثال، در تصویب‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا، پذیرش حق پاسخ محدود به دوره زمانی متعارف است و به افراد اجازه داده شده تا به طور مؤثر «بدون تأخیر بی‌جا و نامناسب» حقایق نادرست را درباره خودشان تصحیح کنند (کمیته وزیران شورای اروپا، ۱۹۷۴، ماده ۱).

۳. الزام سازمان صداوسیما به پخش پاسخ مدعی «در همان برنامه، ساعت و در همان شبکه»، با توجه به امکان انتشار مطالب مورد اعتراض در ویژه‌برنامه، ممکن است برنامه‌هایی مانند مستند، سلسله برنامه‌های به پایان رسیده و امثال آن، مشکلاتی را برای برنامه‌سازان فراهم آورد یا حتی به تضييع حقوق مدعی بینجامد. بنابراین، در مواردی که امکان پخش پاسخ «در همان برنامه، ساعت و در همان شبکه» وجود ندارد، بهتر است در برنامه جایگزین یا برنامه مشابه آن، پاسخ مدعی پخش شود.

۴. الزام سازمان به پخش پاسخ در «حداقل دو برابر زمان اصل مطلب که از پنج دقیقه کمتر نباشد»، همواره ضروری نیست زیرا ممکن است پاسخ مدعی کمتر از این مقدار باشد و سازمان هم حق افزودن بر آن را ندارد بنابراین، بهتر است محدوده زمانی پاسخ به «حداقل دو برابر زمان اصل مطلب که از پنج دقیقه کمتر نباشد»، نوعی حق برای مدعی - و نه تکلیف سازمان - در نظر گرفته شود، بویژه با توجه به پیش‌بینی نشدن حداکثر زمان برای پاسخ، در برنامه‌هایی نظیر اخبار سراسری، زمان طولانی ممکن است برای سایر بینندگان کسل‌کننده باشد. از سوی دیگر، همان‌گونه که در بحث قانون مطبوعات نیز گفته شد، ممکن است مطالب مورد اعتراض به گونه‌ای باشند که پاسخ به آنها مستلزم زمان زیادی باشد. در بعضی کشورها در این گونه موارد، به افرادی که پاسخشان بیش از محدودیت قانونی است، پیشنهاد می‌شود مطالب اضافی را با پرداخت هزینه درج کنند (قانون مطبوعات فرانسه، ۱۸۸۱). اما در قانون احقاق حق معلوم نیست که اگر پاسخ از «حداقل دو برابر زمان اصل مطلب» تجاوز کند، آیا پخش آن رایگان است یا در ازای پرداخت هزینه صورت می‌گیرد؟

۵. ایرادی که هم در مورد قانون مطبوعات و هم در مورد قانون احقاق حق وجود دارد، این است که استثنائات حق تصحیح به طور دقیق مشخص نشده است و رسانه‌ها حق انکار تصحیح را ندارند. توضیح اینکه حق تصحیح، مطلق نیست و در مواردی

امکان اعمال آن وجود ندارد. برای نمونه، در قانون فرانسه اگر درخواست بیش از محدوده قانونی باشد و هیچ کاری را نسبت به مقاله اولیه انجام نداده باشد، حق پاسخ را می‌توان انکار کرد (ماندولونی، ۲۰۰۶، ص ۲۲۵). همچنین اگر اصلاحیه ناقض قانون، خلاف اخلاق، منافع مشروع دیگران و یا «اعتبار و آبروی روزنامه‌نگار» باشد، مطبوعات می‌توانند از انتشار اصلاح امتناع کنند (سولو، ۲۰۰۷، ص ۹۳). در تصویب‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا نیز به صراحت اعلام شده است زمانی که انتشار اثر مخالفت شده، به وسیله افراد مورد تأیید قرار گرفته باشد، سازگار با عرف و عموم و قانون باشد، با تحت‌الشعاع قرار دادن، منافع مشروع عمومی توجیه شده باشد و یا بر اساس نظر و نقد منصفانه یا حقایق درست باشد، حق پاسخ در دسترس نیست (کمیته وزیران شورای اروپا، ۱۹۷۴، ماده ۲). همچنین بر اساس این تصویب‌نامه شش استثنا برای منتفی بودن حق پاسخ بیان شده است: ۱. اگر درخواست برای یک پاسخ، در یک زمان کوتاه به طور منطقی ارسال نشده باشد؛ ۲. اگر پاسخ بیش از حد طولانی باشد؛ ۳. اگر پاسخ فقط بر تصحیح حقایق به چالش کشیده شده، تمرکز نکرده باشد؛ ۴. اگر پاسخ شامل جرم و تخلف قابل مجازات باشد؛ ۵. اگر پاسخ نقض منافع مشروع اشخاص ثالث یا گروهی باشد؛ یا ۶. اگر شاکی نتواند منفعت صحیح و درستی را در درخواست پاسخ نشان دهد (همان). این در حالی است که در قانون احقاق حق، تنها مورد امکان امتناع از درج پاسخ، این است که پاسخ ذی‌نفع، متضمن توهین و افترا به کسی نباشد. و در قانون مطبوعات نیز امکان امتناع از درج پاسخ، محدود به موردی است که جواب از دو برابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افترا به کسی نباشد.

۶. در قسمتی از قانون احقاق حق آمده است چنانچه سازمان صداوسیما از اجرای مصوبه شورای نظارت خودداری نماید و یا شاکی نسبت به نظر شورای نظارت معترض باشد، بنابر شکایت شاکی، شعبه خاصی که به این منظور تشکیل می‌شود، نسبت به موضوع، خارج از نوبت (حداکثر یک هفته) رسیدگی و حکم مقتضی را بر اساس این قانون صادر خواهد کرد. اشکالی که در این مورد وجود دارد این است که مراد از «شعبه خاص» مشخص نیست و گفته نشده شعبه‌ای از دادگاه‌های عمومی است یا شعبه‌ای از دادگاه کیفری استان؟ آیا رسیدگی به این شکایات با حضور هیئت منصفه صورت می‌گیرد یا بدون آن؟ و اینکه آیا این شعبه خاص، دادگاهی اختصاصی است که فقط به این گونه

موضوعات رسیدگی می‌کند یا دادگاهی تخصصی است که صلاحیت عمومی دارد ولی پرونده‌های مربوط به این دعاوی به این شعبه ارسال شده و در صورت فقدان دعاوی حق تصحیح، به دعاوی دیگر رسیدگی می‌کند؟ و آیا شاکی حق اعتراض و تجدید نظر به حکم این دادگاه را دارد یا خیر؟ در صورت نخست، مرجع تجدید نظر کدام است؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم دانستن این مطلب است که برابر تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ (اصلاحی ۱۳۸۱): رسیدگی به ... جرایم مطبوعاتی و سیاسی، ابتدا در دادگاه تجدید نظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور (دادگاه کیفری استان) نامیده می‌شود. دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به ... جرایم مطبوعاتی و سیاسی از سه نفر (رئیس و دو مستشار یا دادرس علی‌البدل دادگاه تجدید نظر استان) تشکیل می‌شود ... دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی، با حضور هیئت منصفه تشکیل خواهد شد. چنانچه ماهیت مطبوعاتی این موضوع ملاک قرار گیرد رسیدگی به آن باید در شعبه خاصی از دادگاه کیفری استان و با حضور هیئت منصفه صورت گیرد و مرجع تجدید نظر آن دیوان عالی کشور باشد. اما به نظر می‌رسد مقصود قانونگذار از عبارت «شعبه خاصی که به این منظور تشکیل می‌شود»، دادگاهی غیر از دادگاه کیفری استان و شعبه خاصی از دادگاه عمومی است که به طور تخصصی و بدون حضور هیئت منصفه به این شکایت نیز رسیدگی می‌کند و مرجع تجدید نظر آن دادگاه تجدید نظر استان است.

۷. با توجه به عبارت «هر گاه در مطبوعات مطالبی شامل توهین یا افترا یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود» ماده ۲۳ قانون مطبوعات و نیز عبارت «در برنامه‌های پخش شده سازمان (اعم از خبری، گزارشی، تولیدی در قالب‌های مختلف بیانی - تصویری و نمایشی) از شبکه‌های محلی، سراسری و بین‌المللی و یا در اطلاعیه‌های صادره از سوی آن سازمان» در ماده واحده قانون احقاق حق، به نظر می‌رسد حق پاسخ ناظر به موردی است که دیگران مطالب نادرست یا اهانت‌آمیزی علیه خواهان حق پاسخ بیان کرده باشند در حالی که؛ حق تصحیح نباید محدود به این موارد باشد و حتی شخصی که اقدام به مصاحبه مطبوعاتی می‌کند باید حق داشته باشد گفته‌های خود را تصحیح کند و اگر بخش‌هایی از مصاحبه او به نحوی

پخش شده که معنایی غیر از آنچه مد نظر وی بوده است، را رساند، حق تصحیح آن یا درخواست پخش مصاحبه را به طور درست داشته باشد (حیدری، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵).
با وجود این، در کنار اشکالات متعددی که چه در قانون مطبوعات و چه در قانون احقاق حق وجود دارد، اصل شناسایی حق تصحیح رسانه‌ای در کشور ما گامی مثبت در جهت حمایت از حقوق مخاطبان و روشی مناسب برای اعتراض به رفتار لطمه‌زننده به حیثیت، آبرو و شرافت افراد تلقی می‌شود، بویژه که در قانون احقاق حق، مراحل سه‌گانه اعتراض به سازمان صداوسیما، در صورت نبود توافق میان معترض و سازمان، مراجعه به شورای نظارت بر سازمان صداوسیما و در صورت اعتراض بر نظر شورای نظارت، مراجعه به شعبه خاصی برای رسیدگی به اعتراض درج نشدن پاسخ مدعی پیش‌بینی شده و در کنار این سه مرحله که اقداماتی غیر کیفری تلقی می‌شوند، قانونگذار در تبصره ۲ این قانون - همانند تبصره ۴ ماده ۲۳ قانون مطبوعات - حق شاکی را نیز برای شکایت به مراجع قضایی محفوظ دانسته و اعلام داشته: «مصوبه مذکور، مانع از پیگیری مستقیم شاکی نسبت به سایر جهات کیفری از طریق دادگاه نخواهد بود».

مبحث دوم: حق تصحیح رسانه‌ای در حقوق بین‌الملل

ضرورت انتقال اخبار و گزارش‌های صحیح و پرهیز از انتشار مطالب لطمه‌زننده به اعتبار، شهرت و حیثیت افراد و نیز اخبار و گزارش‌هایی که اعتبار و غرور ملی یک کشور را خدشه‌دار می‌کند یا برای صلح و امنیت بین‌المللی و روابط دوستانه کشورها مضر است، از دیر باز مورد توجه نهادها و سازمان‌های فراملی قرار گرفته و اقدامات متعددی در زمینه تصحیح اخبار نادرست در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی صورت پذیرفته است.

گفتار اول: اقدامات منطقه‌ای

حق تصحیح در اسناد منطقه‌ای متعددی به رسمیت شناخته شده است که بعضی از آنها در زیر به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد:

بند اول: کنوانسیون حقوق بشر امریکا

کنوانسیون حقوق بشر امریکا - معاهده امضا شده از سوی چندین کشور امریکای لاتین

و کشورهای امریکای جنوبی- برای کسانی که از اظهارات نادرست یا توهین‌آمیز آسیب دیده‌اند، حق پاسخ را پیش‌بینی کرده است (کنوانسیون حقوق بشر امریکا، ۱۹۶۹، ماده ۱۴). در این خصوص، دادگاه امریکایی حقوق بشر^۱، در نظری مشورتی، بیان داشت که حق پاسخ و تصحیح، به موجب کنوانسیون امریکایی و تعهد کشورهای شرکت‌کننده به اقدامات قانونی، قانونگذاری و دیگر معیارهایی که ممکن است اثرات قانونی لازم را داشته باشد، قابلیت اجرای قانونی دارد. با تکیه بر نظر مشورتی^۲ دادگاه امریکایی حقوق بشر در حق پاسخ، دادگاه عالی آرژانتین^۳ بیان کرد که تصویب کنوانسیون امریکایی حقوق بشر از سوی آرژانتینی‌ها، نوعی خود اجرایی حق پاسخ را، در میان آرژانتینی‌ها موجب شده است (دادگاه عالی عدالت^۴، ۱۹۹۲، شماره ۵۴۳). دادگاه، با توجه به قدرت و نفوذ فوق‌العاده «رسانه‌های ارتباطات اجتماعی» بر افکار عمومی و زندگی انسان، حق پاسخ را برای حفاظت از آبرو، حیثیت و حریم خصوصی ضروری دانسته است.

از نظر کمیسیون امریکایی حقوق بشر، این موضوع که متضرر، حق تصحیح یا پاسخ را به منظور اصلاح فوری - با استفاده از همان رسانه برای انتشار یا پخش حقیقتی که از سوی خبرنگار زیر سؤال رفته و تحریف شده است- مطالبه می‌کند، مفروض است؛ این اقدام درباره اطلاعات مربوط به طبیعت و ماهیت واقعی قابل اعمال است، نه تفسیر یا عقیده و نظر (ساتانا علیه ونزوئلا، ۲۰۰۳، ش ۴۵۳/۰۱).

بند دوم: کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

هر چند کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی^۵ (۱۹۵۰، ماده ۱۰) موسوم به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به حق پاسخ با صراحت اشاره نمی‌کند، دادگاه حقوق بشر اروپا، این حق را به موجب ماده ۱۰ کنوانسیون در مورد آزادی بیان به رسمیت شناخته است. در سال ۲۰۰۵ دادگاه حقوق بشر اروپا تصمیم گرفت که شرایط استثنایی و الزامی روزنامه را برای انتشار تکذیب، معذرت‌خواهی و دادرسی در پرونده توهین و افترا تعیین کند. به نظر دادگاه، دولت ممکن است برای کمک به اعمال حق

1. inter-american court of human rights

2. advisory opinion

3. Argentine supreme court

4. Court Supreme Justicia

5. convention for the protection of human rights and fundamental freedoms

آزادی بیان فردی در رسانه تعهد مثبتی نماید (ملنیکوک علیه اکراین، ۲۰۰۵، ش ۲۸۷۴۳/۰۳). در رأی دیگری از این دادگاه بیان شده است که: «دولت باید اطمینان دهد محدودیت دسترسی به رسانه‌ها، مستبدانه، خودسرانه و همراه با دخالت نامتناسب در آزادی بیان فردی نیست و هر محدودیت ایجاد شده از سوی مقامات صالح داخلی، می‌تواند مورد مخالفت قرار گیرد» (تیمپو^۱ علیه اسپانیا، ۱۹۸۹، شماره ۱۳۰۱۰/۸۷).

بند سوم: شورای اروپا و اتحادیه اروپا

کمیته وزرای شورای اروپا در سال ۱۹۷۴ حق پاسخ را به تصویب رساند. تصویب‌نامه کمیته وزرا به افراد اجازه داده تا به طور مؤثر «بدون تأخیر بی‌جا و نامناسب»، حقایق نادرست را درباره خودشان تصحیح کنند. همچنین برای پیشبرد نفع عموم در دریافت اطلاعات از منابع مختلف تضمین داده می‌شود که آنها اطلاعات کامل را دریافت خواهند کرد (همان، ماده ۱). حق پاسخ می‌تواند برای رد کردن انتشار حقایق و دیدگاه‌هایی که حریم خصوصی افراد را نقض می‌کند و آبرویشان را زیر پا می‌گذارد، مورد استفاده قرار گیرد. به موجب این تصویب‌نامه، پیش از اینکه دادگاه اختیار صدور حکم انتشار پاسخ را داشته باشد، حق پاسخ باید مورد استفاده قرار گیرد (همان، ماده ۲). پس از اینکه شورای اروپا در سال ۱۹۷۴ حق پاسخ را تصویب کرد، در سال ۱۹۸۹ کنوانسیون اروپایی تلویزیون فرامرزی «کنوانسیون فرامرزی»، که فقط برای رادیو و تلویزیون فرامرزی به کار برده شده بود، تشکیل شد. ماده ۸ مقرر می‌داشت: فرستنده باید اطمینان حاصل کند که هر شخص حقیقی یا حقوقی، بدون در نظر گرفتن ملیت، تابعیت یا محل اقامت، فرصت دارد تا حق پاسخ را اجرا کند ... بویژه، باید اطمینان حاصل شود که زمان و ترتیبات دیگر برای اعمال حق پاسخ به گونه‌ای است که این حق را می‌توان به طور مؤثر اعمال کرد (همان، ماده ۸). دستورالعمل کنوانسیون فرامرزی، حق پاسخ را به مواردی که در آن «شهرت و اعتبار» کسی از حقایق نادرست در برنامه‌های پخش شده تلویزیون آسیب دیده، محدود شده بود (همان، ماده ۲۳). دستورالعمل کنوانسیون در مورد انتشار حقایق یا دیدگاه‌هایی که تجاوز به حریم

1. Tiempo

2. Spain

خصوصی افراد شمرده می‌شود و در تصویب‌نامه حق پاسخ، شامل آن نیز هست، به کار برده نشده است. در دسامبر سال ۲۰۰۴، شورای اروپا تصویب‌نامه حق پاسخ مصوب سال ۱۹۷۴ را اصلاح کرد تا مشمول اینترنت و سایر فناوری‌های بزرگ پیشرفت‌های ارتباطات نیز باشد. توجیه سیاست و خط‌مشی برای حق پاسخ دست نخورده باقی مانده است. شورای اروپا در سال ۲۰۰۴ در یادداشتی پیشنهادی توضیح داد که در پیش‌نویس، حق پاسخ در محیط جدید رسانه‌ای را نیز در محدوده حق پاسخ‌ها قلمداد کرده و بر ارزش حق پاسخ در ارتباطات برخط تأکید کرده است. علاوه بر استثنائات تصویب‌نامه سال ۱۹۷۴، حق پاسخ جدید رسانه در سال ۲۰۰۴، اجازه رد پاسخ را نیز به رسانه می‌دهد، البته هنگامی که حق پاسخ به زبانی متفاوت از مقاله اصلی است و هنگامی که با اطلاعات، بر اساس «گزارش واقعی» اقدامات علنی دولت، مخالفت شده است.

گفتار دوم: اقدامات بین‌المللی

تاریخچه حق تصحیح در عرصه بین‌المللی: حق پاسخ و تصحیح حدود هشتاد سال است که در مرکز فعالیت و تمرکز حقوق بین‌المللی قرار دارد. حق پاسخ بین‌المللی، که پیش از این در حقوق داخلی و ملی پذیرفته شده بود، در سال ۱۹۲۹ زمانی که کنگره حقوق بین‌المللی رادیو در خصوص گسترش حق پاسخ رادیو و تلویزیون، موافقت کرده بود، ارائه شد (ویتون^۱، ۱۹۵۰، ص ۱۴۱)؛ دو سال بعد؛ اتحادیه بین‌المللی مجمع جامعه ملل^۲ حق پاسخ را برای هر کشور، در مقابل گزارش‌های خبری نادرست یا طراحی شده برای آشفته کردن روابط بین‌المللی، پیشنهاد کرد و تحقیقاتی را در مورد راه‌های مبارزه با انتشار اخبار نادرست و مخل صلح و تفاهم بین‌المللی آغاز کرد؛ اتحادیه بین‌المللی روزنامه‌نگاران^۳ نیز در سال ۱۹۳۴ پیشنهادی مشابه ارائه داد؛ قطعنامه شماره ۱۲۷ دومین اجلاس مجمع عمومی مصوب ۱۵ نوامبر ۱۹۴۷ از دولت‌های عضو دعوت کرد که برای مبارزه با اخبار نادرست یا تحریف شده‌ای که به روابط حسنه، لطمه وارد می‌کنند در چهارچوب قوانین اساسی، مطالعه کنند؛ طرح «کنوانسیون مربوط

1. Whitton 2. Federation of League of Nations Societies

3. International Federation of Journalists

به انتقال بین‌المللی اطلاعات و حق تصحیح^۱ که در سال ۱۹۴۹ به تصویب مجمع عمومی رسید، نخستین شیوه اقدام بین‌المللی علیه سوءاستفاده از اطلاعات به شمار می‌آید زیرا امکان توسل به دبیر کل سازمان ملل را در صورت تصحیح نشدن اطلاعات از سوی دولت مقصر، پیش‌بینی کرده بود؛ اما مهم‌ترین اقدام بین‌المللی در مورد حق تصحیح، تصویب عهدنامه حق بین‌المللی تصحیح اخبار از سوی سازمان ملل است. در سال ۱۹۴۹، مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱ پیش‌نویس کنوانسیون-مربوط به انتقال بین‌المللی اطلاعات و حق تصحیح^۲ - را به تصویب رساند. اما کنوانسیون هرگز اجرا نشد. هدف این کنوانسیون، جلوگیری از اخبار دروغ یا تحریف شده، گزارش‌های طبقه‌بندی شده و کاهش اثرات زیانبار آنها بود. یکی دیگر از اهداف کنوانسیون، تشویق انتشار گسترده اخبار و بالا بردن حس مسئولیت در میان اخبار حرفه‌ای بود. مجمع اعلام کرد که حق تصحیح باید به طور بین‌المللی به رسمیت شناخته شود زیرا بعضی از قانونگذاری‌های ملی و داخلی، برای انتقال اخبار دروغ قانونی را مقرر نکرده‌اند (یوم و مارشال، ۲۰۰۹، ص ۱۰۲۲). برابر ماده ۹ کنوانسیون، حق تصحیح در مورد اخبار و گزارش‌هایی که از یک کشور به کشور دیگر، از طریق خبرنگاران و یا سازمان‌های اطلاعات منتشر و منتقل می‌شود، به رسمیت شناخته شد. به این ترتیب، هر گاه خبر یا گزارش، دروغ یا تحریف شده باشد و قابلیت آسیب رساندن به ارتباطات و روابط با دیگر کشورها یا اعتبار یا سربلندی ملی را داشته باشد، دولت شکایت‌کننده می‌تواند تفسیر و برداشت خود را از واقعیت، در قالب ابلاغیه اعلام شده به کشورها و دولت‌های متعاقد در سرزمین‌هایی که خبر به چاپ رسیده یا ارسال شده است، ارائه کند. ظرف پنج روز، دولت متهم ملزم است ابلاغیه را به خبرنگاران و سازمان‌های اطلاعاتی که بیانیه و اظهاریه اصلی را ارسال یا منتشر کرده‌اند، بفرستد. دولت متهم همچنین ملزم است ابلاغیه را به اداره مرکزی مؤسسه و سازمان اطلاعاتی که خبرنگار مسئول آن خبر و گزارش را تهیه کرده بفرستد؛ البته در صورتی که اداره مرکزی مؤسسه اطلاعاتی در محدوده سرزمین آن دولت قرار داشته باشد. با این حال، دولت متهم، ملزم به انتشار پاسخ نیست. اگر دولتی متهم باشد که تعهدات خود را انجام نداده است،

1. United Nations General Assembly

2. convention on the international transmission of news and the right of correction

دولت شکایت‌کننده می‌تواند ابلاغیه را به دبیر کل سازمان ملل متحد ارائه کند؛ در این صورت، به دولت متهم اخطاریه فرستاده می‌شود، که نظرهای خود را به دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال کند. دبیرکل سازمان ملل متحد، علاوه بر گزارش اصلی و نظرهای دولت متهم، در صورتی که ارسال شده باشد، باید از طریق کانال‌های اطلاعات موجود اقدام به تبلیغات مناسب برای پاسخ بکند (کنوانسیون مربوط به انتقال بین‌المللی اطلاعات و حق تصحیح، ۱۹۴۹، ماده ۱۱).

پیش‌نویس کنوانسیون حق پاسخ سازمان ملل متحد کاربرد محدودی داشت، زیرا سازوکارهای اجرایی آن فراهم نشده بود. با این حال، ارزش آن در بهبود استانداردهای بین‌المللی گزارش‌های خبری مسلم و بی‌چون‌وچرا بود (ویتون، ۱۹۵۰، ص ۱۴۵). در نهایت، مجمع عمومی سازمان ملل به پیشنهاد فرانسه، کنوانسیون بین‌المللی حق تصحیح را در سال ۱۹۵۲ به تصویب رساند و کنوانسیون حق تصحیح بین‌المللی در ۲۴ اوت ۱۹۶۲ ضمانت اجرایی پیدا کرد. امضاکنندگان متعهد شدند تا ابزارهای آن را پس از شش ماه به تصویب برسانند. تا ماه اوت سال ۲۰۰۷، در مجموع، بیست و سه کشور این حق را به تصویب رساندند. مونته‌نگرو^۱ آخرین کشوری بود که در سال ۲۰۰۶ کنوانسیون را امضا کرد.

بخش‌های کلیدی و اصلی کنوانسیون، جز در مورد مقررات اجرایی، مشابه پیش‌نویس کنوانسیون انتقال اخبار بین‌المللی و حق تصحیح است؛ برابر ماده ۲ کنوانسیون، کشورهای متعهد توافق دارند در مواردی که یک کشور عضو ادعا می‌کند اخبار یا گزارش‌های پخش شده، ممکن است روابطش را با کشورهای دیگر خدشه‌دار کند و یا به اعتبار و آبرو و قدر و منزلت و سربلندی ملی آن لطمه وارد کند، دولت مدعی می‌تواند متن بیان مورد نظر خود را درباره خبر یا گزارش تحریف شده را به شکل یک اطلاعیه تهیه کند و برای دولت طرف تعهد دیگر، که خبر یا گزارش خبری در قلمرو آن منتشر یافته یا پخش شده است، ارسال دارد. اطلاعیه یاد شده نباید هیچ گونه تفسیر یا اظهارنظری در بر داشته باشد و همچنین نباید از اندازه لازم برای تصحیح نادرستی یا تحریف مورد ارتکاب، طولانی‌تر باشد بلکه باید هر واژه از متن ارسالی به همان صورت که منتشر یا چاپ شده، به همراه شواهد ارسالی که از جانب یک

خبرنگار یا سازمان اطلاعاتی خارج از کشور فرستاده شده است، منتقل شود. اطلاعیه یاد شده باید به ضمیمه متن کامل گزارش خبری منتشر شده و دلایل مبتنی بر انتقال آن از کشور خارجی از سوی یک خبرنگار یا مؤسسه خبری، برای دولت کشوری که خبر یا گزارش خبری مورد شکایت از آن انتقال یافته یا در آن چاپ و پخش شده است، ارسال شود (کنوانسیون بین‌المللی حق تصحیح، ۱۹۶۲، ماده ۲). دولت‌هایی که به این ترتیب طرف شکایت قرار می‌گیرند، موظفند با حداقل تأخیر، در هر موردی که مطابق با ماده ۲ بیشتر از پنج روز از تاریخ انتشار مطلب مورد اعتراض نگذشته باشد اطلاعیه دریافتی را از طریق که به طور معمول برای انتقال اخبار و اطلاعات مربوط به امور بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد، منتشر کنند. همچنین وظیفه دارند، اطلاعیه را برای مؤسسه خبری مسئول در صورتی که مقر آن در قلمرو آنها قرار داشته باشد، ارسال دارند (همان، ماده ۴).

ضمانت اجرای مورد پیش‌بینی علیه کشوری که تعهدات خود را در زمینه تصحیح اخبار و گزارش‌های نادرست یا تحریف شده، انجام نمی‌دهد، جنبه دوگانه دارد. از یک سو، دولت یا دولت‌های لطمه‌دیده از چنین اخبار و گزارش‌هایی می‌توانند مطابق قسمت دوم ماده ۳ عهدنامه، با آن مقابله به مثل کنند و روشی مشابه پیش گیرند (همان، ماده ۳) و از سوی دیگر، می‌توانند از دبیرکل سازمان ملل متحد، تقاضا کنند تا مطابق ماده ۴ عهدنامه، با استفاده از امکانات خود، برای مقابله با بی‌توجهی دولت مورد شکایت نسبت به چاپ یا پخش اطلاعیه ارسالی، در خصوص انتشار آن به صورت مناسب، اقدام کند. دبیرکل نیز باید ظرف مدت ده روز بعد از دریافت اطلاعیه، تبلیغات مناسبی را از طریق کانال‌های اطلاعاتی برای در دسترس قرار دادن این اطلاعیه فراهم سازد، همچنین این اطلاعیه باید همراه با اظهار نظرهای کشوری که علیه او شکایت شده، ارائه شده باشد (همان، ماده ۴).

تحلیل حقوقی. کنوانسیون بین‌المللی حق تصحیح، اقدامی مهم در جهت مبارزه با انتشار اخبار نادرست و برهم زنده صلح و امنیت بین‌المللی است، اما همانند هر قانون دیگر دارای نقاط ضعف و قوتی است که در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. انحصار حق تصحیح به دولت‌های امضاکننده. برابر قسمت اول ماده ۲ این کنوانسیون، استفاده از حق تصحیح، مخصوص کشورهای عضو است و در صورتی که هر دو دولت شاکی و متهم این کنوانسیون را امضا کرده باشند، اعمال حق تصحیح

امکان دارد اما اگر شاکی یا متهم عضو کنوانسیون نباشد، استناد به آن برای اعمال حق تصحیح منتفی خواهد بود (همان، ماده ۲).

۲. انحصار حق تصحیح به اخبار و گزارش‌های خبری. در کنوانسیون نیز همانند بسیاری از قوانین ملی همچون آلمان و اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی همچون کنوانسیون تلویزیون فرامرزی اروپا مصوب ۱۹۸۹ (ماده ۲۳) و کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹، ماده ۱۴)، حق پاسخ محدود به اظهاراتی است که «گزارش خبری» نادرست و تحریف شده شمرده می‌شود (کنوانسیون بین‌المللی حق تصحیح، ۱۹۶۲، ماده ۲). بنابراین، در مورد مقالات تفسیری و تشریح و تحلیل^(۵) اطلاعات و در مورد «اظهار عقیده و نظر» شخصی حق تصحیح وجود ندارد. همچنین گفته شده است در کنوانسیون، ویژگی‌هایی که گزارش‌های خبری موجب شکایت دولت‌ها باید دارا باشند، به طور دقیق مشخص نشده است ضمن اینکه در مقررات یاد شده، روشن نشده است که منظور از گزارش خبری «تحریف شده» چیست؟ (کاظم و رویا معتمدنژاد، ۱۳۸۸، ص ۳۶۷).

۳. ابهام در معیار اخبار و گزارش‌های موضوع کنوانسیون. برای اینکه امکان استناد به حق تصحیح بر مبنای کنوانسیون وجود داشته باشد، اخبار و گزارش‌های مورد ادعا باید قابلیت لطمه زدن به اعتبار و غرور ملی یک دولت و یا روابط آن با دولت‌های دیگر را داشته باشند (کنوانسیون بین‌المللی حق تصحیح، ۱۹۶۲، ماده ۲). اما در کنوانسیون ضابطه‌ای برای تشخیص اینکه گزارش یا خبر می‌تواند لطمه‌زننده باشد یا خیر، ارائه نشده است و این امر باعث می‌شود برداشت‌های متفاوتی در مورد ماهیت گزارش‌های خبری از سوی هر دو کشور مدعی و متهم وجود داشته باشد و گرچه در ماده ۵ اعلام شده که هر گونه اختلاف بین دو یا چند کشور متعاقد در مورد تفسیر یا اجرای کنوانسیون حاضر که با مذاکرات حل و فصل نشود باید برای تصمیم به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع شود، مگر اینکه کشورهای متعهد با یکدیگر نحوه حل و فصل را توافق کنند (همان، ماده ۵)، این امر نیز مشکل قضاوت متفاوت را در مورد وصف گزارش از بین نمی‌برد زیرا دیوان بین‌المللی دادگستری نیز نیاز به معیاری مشخص برای تشخیص لطمه‌زننده بودن به روابط بین دو دولت یا اعتبار یک کشور دارد.

۴. ناکارآمدی سازوکار اطلاعیه. شکایت از اخبار و گزارش‌های خبری نادرست و تحریف شده در قالب ارسال اطلاعیه، روشی سنگین و طولانی است که در اغلب موارد

نتیجه مؤثری ندارد. دولت‌های طرف تعهد نیز خود را به انتشار اطلاعیه‌های تصحیح این گونه اخبار و گزارش‌ها ملزم نمی‌دانند و به طور معمول تنها اقدام آنها در این زمینه، ارسال اطلاعیه‌های دریافتی، به مطبوعات و مؤسسات خبری ذی‌ربط است. در مقابل، اجرا نشدن مقررات تصحیح بین‌المللی اخبار و گزارش‌های خبری از سوی یک یا چند دولت، به دولت یا دولت‌های دیگر نیز اجازه و امکان می‌دهد که از اجرای آنها خودداری کنند و به این ترتیب، کارایی عهدنامه را از بین ببرند (کاظم و رویا معتمدنژاد، ۱۳۸۸، ص ۳۶۸). در این مورد به نظر می‌رسد مخالفت دو بلوک شرق و غرب با تدوین کنوانسیون، موجب شده است مجمع عمومی برای جلوگیری از شکست کنوانسیون و تصویب نشدن آن به ضمانت اجرای ضعیف قناعت کند. در حال حاضر نیز قدرت‌های رسانه‌ای تمایلی به اعمال حق تصحیح ندارند زیرا آن را نوعی محدودیت برای رسانه‌های خود می‌دانند، رسانه‌ها نمی‌خواهند این سلاح برنده را از دست بدهند.

۵. ناکافی بودن ضمانت اجرا. علاوه بر ناکارآمدی سازوکار اطلاعیه، ضمانت اجرای دوگانه امتناع دولت متهم از تصحیح گزارش یعنی مقابله به مثل و ارسال اطلاعیه به دبیرکل نیز بسیار ضعیف و ناکارآمد است چنان که در عمل، طی سال‌های گذشته، اعمال حق تصحیح به ندرت صورت گرفته است؛ جدای از این، دبیرکل، امکانات اجرایی کافی برای انتشار گزارش صحیح را در اختیار ندارد. از جمله این امکانات، شبکه تلویزیونی قوی و مستقل از دولت‌ها و وابسته به سازمان ملل است. این نکته را نیز نباید از یاد برد که گذشته از وظایف متعدد و مشغله کاری دبیرکل، ملاحظات سیاسی یا حتی دیدگاه‌ها و برداشت وی از نادرست بودن گزارش یا قابلیت آن برای لطمه زدن به روابط بین دو دولت یا اعتبار ملی یک کشور نیز در تصمیم‌گیری وی در خصوص تصحیح خبر تأثیرگذار خواهد بود.

بنابراین و در مقام مقایسه می‌توان گفت سازوکار کنوانسیون بین‌المللی حق تصحیح یعنی ارسال اطلاعیه، ضعیف‌تر از قوانین داخلی مربوط به حق تصحیح است زیرا بر خلاف قوانین داخلی که بر اساس آن عامل انتشار خبر نادرست موظف است پس از اعتراض ذی‌نفع، متن صحیح را منتشر سازد و در صورت امتناع، مدیر مسئول با تعقیب کیفری مواجه خواهد شد، دولت مشتکی عنه به تنهایی تعهدی غیر الزام‌آور بر انتشار گزارش صحیح شده دارد و در صورت امتناع، دبیرکل گزارش صحیح را منتشر

می‌کند و تهیه‌کنندگان متن کنوانسیون تصحیح، به نبود امکان تعقیب جزایی و اکتفا به همین مقدار ضمانت اجرا اذعان کرده‌اند.

از سوی دیگر، سایر اقدامات بین‌المللی درباره حق تصحیح نیز تنها توصیه‌هایی به کشورها، بدون ضمانت اجرای کافی هستند. از جمله این اقدامات، «اعلامیه کنفرانس عمومی یونسکو درباره اصول بنیادی کمک وسایل ارتباط جمعی به تحکیم صلح، تفاهم بین‌المللی، پیشبرد حقوق بشر و مبارزه علیه نژادپرستی، آپارتاید و تحریک به جنگ»، مصوب ۲۸ نوامبر ۱۹۷۸ است که در ماده ۵ حق پاسخ را به این نحو پیش‌بینی کرده است: برای آنکه به آزادی بیان و اطلاعات احترام گذاشته شود و برای آنکه اطلاعات تمام دیدگاه‌ها را انعکاس دهند، شایان اهمیت است که دیدگاه‌های ارائه شده از سوی کسانی که معتقدند اطلاعات انتشار یافته، به اقدام آنان در راه تحکیم صلح و تفاهم بین‌المللی، پیشبرد حقوق بشر یا مبارزه علیه نژادپرستی و جنگ، زیان شدید وارد کرده‌اند، منتشر شوند (اعلامیه یونسکو، ۱۹۷۸، ماده ۵).

نتیجه‌گیری

حق پاسخ و تصحیح اخبار و گزارش‌ها و مطالب نادرستی که به حیثیت، اعتبار و شخصیت اشخاص حقیقی و حقوقی لطمه وارد می‌کند، امری نیست که ضرورت آن بر کسی پوشیده باشد، اما سازوکارهایی که برای اعمال این حق مورد استفاده قرار می‌گیرد، در کشورهای مختلف متفاوت است؛ در ایران حق پاسخ در رسانه‌های چاپی به موجب ماده ۲۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و در مورد رسانه‌های پخش (رادیو و تلویزیون) به موجب ماده واحده طرح الحاق یک ماده و چهار تبصره به قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۲)، مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۷ مجلس شورای اسلامی به رسمیت شناخته شده است که با وجود اشکالات متعدد، گامی مثبت در جهت حمایت از حقوق مخاطبان و روشی مناسب و متناسب با ماهیت رفتار لطمه‌زننده به حیثیت، آبرو و شرافت افراد تلقی می‌شود. سازوکارهای موجود برای حق تصحیح از منظر سیاست جنایی نیز اقدامی مثبت به شمار می‌رود زیرا مدعی پس از پخش پاسخ او به مطالبی که علیه وی در مطبوعات یا صداوسیما بیان شده است، نیازی به مراجعه به مراجع قضایی و توسل به اقدامات کیفری نخواهد داشت و از این رو، حق تصحیح، اقدامی در جهت سیاست قضازدایی تلقی می‌شود.

اما سازوکارهای بین‌المللی حق تصحیح بویژه سازوکار ارسال اطلاعیه که در کنوانسیون بین‌المللی حق تصحیح، برای اعتراض به گزارش‌های خبری لطمه‌زننده به روابط دولت‌ها یا اعتبار ملی یک کشور پیش‌بینی شده، سازوکاری ناکارآمد و دارای ضمانت اجرایی در حد هیچ است. از این رو تصویب مقررات جهانی مؤثرتر برای اعمال حق تصحیح، امری ضروری است. از جمله، پیش‌بینی نوعی سازوکار کنترل بین‌المللی، بر اساس اصل الزام دولت‌ها به اعلان و انتشار تخلفات مربوط به آنها برای مقابله با گزارش‌های خبری نادرست و تحریف شده قابل پیشنهاد است؛ به گونه‌ای که اگر اطلاعیه تصحیح ارائه شده از سوی کشور متقاضی، از سوی دولت طرف شکایت منتشر نشد، یک نهاد صلاحیت‌دار تعیین شده از طرف سازمان ملل متحد، بتواند پس از دریافت نظر دولت شکایت‌کننده و نیز مؤسسات خبری یا خبرنگاران مورد شکایت، برای اعلان و انتشار اطلاعیه‌های تصحیح‌کننده، با استفاده از امکانات خاص خود، اقدام کند.

پی‌نوشت

۱. پیش از انقلاب ماده ۹ لایحه قانونی مطبوعات مصوب دهم مرداد ۱۳۳۴ مجلس شورای ملی تحت عنوان «حق جوابگویی» مقرر کرده بود: «مؤسسات دولتی و عمومی و همچنین افراد مردم اعم از مأمورین رسمی و یا غیر آنها هر گاه در روزنامه یا مجله مطالبی مشتمل بر تهمت و افترا یا اخبار برخلاف واقع نسبت به خود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتباً برای روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است این گونه توضیحات و جواب‌ها را در همان صفحه و با حروفی که مطالب اصلی را چاپ کرده مجاناً به طبع برساند مشروط بر اینکه جواب از دو برابر اصل مطلب تجاوز ننماید و متضمن توهین به کسی نباشد در صورتی که روزنامه یا مجله علاوه بر جواب مذکور مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نماید حق جوابگویی مجدد به طریق مذکور در فوق برای معترض محفوظ خواهد بود.

۲. بحث اعاده حیثیت در اصل ۱۷۲ قانون اساسی، ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. برابر قانون اخیر: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هر گاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید» لکن تفاوت اعاده حیثیت با حق تصحیح در این است که در حق تصحیح، رسانه پاسخ متهم و مطالب وی را چاپ می‌کند در حالی که در اعاده حیثیت، متن حکم به دستور دادگاه چاپ می‌شود.

۳. نشریه‌ای که صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن به موجب اجاره‌نامه‌ای اختیارات قانونی خود را در قبال دریافت وجه به فرد یا مؤسسه‌ای واگذار می‌کند (ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات).

۴. تبصره ۱ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۸۱/۶/۱۷ هیئت وزیران: نشریه الکترونیکی، نشریه‌ای است که در محیط دیجیتال با همان صورت، شرایط و ظواهر یک نشریه چاپی و طی فرایند فعالیت مرسوم روزنامه‌نگاری و تحریریه‌ای تولید و به طور منظم و با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف معینی در یک یا چند زمینه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تولید و منتشر می‌شود. از سوی دیگر برابر بند ب ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۸۸/۹/۸ مجلس شورای اسلامی: «نشریه الکترونیکی، رسانه‌ای است که به طور مستمر در محیط رقمی (دیجیتال)، انواع خبر، تحلیل، مصاحبه و گزارش را در قالب نوشتار، صدا و تصویر منتشر می‌نماید».

۵. خبر، گزارشی از واقعیات عینی است و در خبرنویسی، رویداد آن طور که اتفاق افتاده است، گزارش می‌شود نه آن طور که خبرنگار، سردبیر یا هر فرد دیگر مایل باشد، اتفاق بیفتد. از این رو، خبر باید گزارش صحیحی از یک رویداد باشد و خبرنگار می‌بایست امانت‌داری امین و درستکار در انتقال خبر باشد، نه سازنده خبر. اما تفسیر و اظهارنظر، ارزیابی ذهنی و قضاوت شخصی در مورد رویدادهای خبری، است. مفسر یا نویسنده تفسیر درباره رویدادی که احتمالاً خبر آن جداگانه انتشار یافته است، اظهارنظر می‌کند و در نوشته‌هایش، استنباط، اندیشه، قضاوت شخصی و استدلال خود را بیان می‌کند. بنابراین، تفسیر نظر نویسنده در مورد یک رویداد است و در آن به عنصر خبری چرا، پاسخ داده می‌شود و پاسخ به چرا استنباط نویسنده است.

از سوی دیگر، تشریح و تحلیل، عبارت است از توصیف حقیقی یک رویداد بدون بیان اظهارنظر نویسنده. نویسنده معمولاً اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع مختلف و سابقه تاریخی رویداد را به هم مرتبط ساخته، در شناساندن علت و انگیزه و همچنین نحوه وقوع رویداد کوشش دارد. در واقع به عناصر چرا و چگونه، توأمان پاسخ می‌گوید (بدیعی و قندی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴).

منابع

- اسماعیلی، محسن. (۱۳۸۹). حق پاسخ و تصحیح در رسانه‌ها. بازیابی از:
www.hamshahrionline.ir/news-109715.aspx
- بدیعی، نعیم و قندی، حسین. (۱۳۸۷). روزنامه‌نگاری نوین. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ ششم.
- حیدری، علی‌مراد. (۱۳۸۹). حقوق مصاحبه‌شوندگان در رسانه‌های عمومی. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۱۷ (۶۳).
- ماده واحده طرح الحاق یک ماده و چهار تبصره به قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۲). مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۷ مجلس شورای اسلامی. مندرج در روزنامه رسمی، شماره ۱۸۸۹۹، سال ۶۵ مورخ ۱۳۸۸/۴/۳۰.

ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱ قانون مطبوعات و اصلاحات بعدی. (۱۳۶۴). مصوب ۱۳۸۸/۹/۸ مجلس شورای اسلامی. مندرج در روزنامه رسمی، شماره ۱۸۷۵۲، سال ۶۵ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۶.

معمدنژاد، کاظم و معمندنژاد، رویا. (۱۳۸۸). حقوق ارتباطات. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.

Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms art. 10. (1950). 213 U.N.T.S. 221.

Council of Eur. (1997). Recommendation No. R (97) 20 of the Committee of Ministers to Member States on Hate Speech, app., Principle 2.

Council of Eur., Comm. of Ministers, Recommendation Rec. (2003). 13: Principles Concerning the Provision of Information Through the Media in Relation to Criminal Proceedings, app., Principle 9.

Council of Eur., Comm. of Ministers. (1974). Resolution (74) 26 on the Right of Reply-Position of the Individual in Relation to the Press, pmb., art. 1, at 83.

Council of Ministers, Steering Comm. on the Mass Media, Abridged Report of the 62d Meeting. (2004). Explanatory Memorandum to the Draft Recommendation on the Right of Reply in the New Media Environment.

Courte Supremae of Justicia. (1992). Ekmekdjian, Miguel A.V. Sofovich, Gerardo, La Ley [L.L.].

Ediciones, Tiempo S.A. V. Spain. (1989). **App. No. 13010/87, 62 Eur. Comm'n H.R. Dec. & Rep.** Pp. 247- 254.

European Convention on Transfrontier Television art. 8. (1989). Europ. T.S. No. 132 available at.

Flanz, G.H. (2005). Port. Const. pt. I, tit. II, ch. I, art. 37(4), translated in 15 countries of the world: portugal 26 in **Council Directive on Transfrontier Television 89/552, Art.**

Mar. L. (2007). **French Draft Decree Regarding the Right to Reply on the Internet, EDRI-GRAM,**

<http://www.edri.org/edriagram/number5.6/right-to-reply-france>

Melnychuk V. Ukraine. (2005). **App. No. 28743/03, Eur. Ct. H.R., 6-7.**, available at <http://www.cmiskp.echr.coe.int/ tkp197/ portal.asp?>

Mondoloni, D. (2006). France, **In International Libel & Privacy Handbook**, Pp. 221-225.

Organization of American States, American Convention on Human Rights art. 14. (1969). O.A.S.T.S. No. 36, 1144 U.N.T.S. 144, available at <http://www.oas.org/juridico/english/treaties/b-32.html>

Paraschos, E.E. (1998). **Media Law and Regulation in the European Union: National, Transitional and U.S. Perspectives**, Pp. 79-80.

Press Act of July 29. (1881). Appendix to the Penal Code art. 12 (Fr.) (emphasis added). For the English text of the French Press Act on the Rights of Reply and Rectification, See *Compilation of Legislation*, supra note 68, France at 3-4.

Santana, V. Venezuela. (2003). **Case 453.01, Inter-Am. C.H.R., Report No. (92/03)**, OEA/ Ser.L./V/II.118, doc. 70 rev. 266 available at <http://www.cidh.org/annualrep/2003eng/Venezuela.453.01.htm>

Solal, M.p. (1974). **The Droit de Reponse and the Droit de Rectification in France, in the Right of Reply in Europe: Possibilities of Harmonization 193.**

Solove, D.J. (2007). **The Future of Reputation: Gossip, Rumor, and Privacy on the Internet 37**, The George Washington University Law School.

- The Article 19 Freedom of Expression Handbook 165.** (1993). available at <http://www.article19.Org/pdfs/publications/1993-handbook.pdf>
- Unesco. (1978). **Declaration on Fundamental Principles Concerning The Contribution of The Mass Media to Strengthening Peace and International Understanding, to the Promotion of Human Rights and to Countering Racialism, Apartheid and Incitement to War.** paris
- Whitton, J.B. (1950). **Editorial Comment, An International Right of Reply,** 44 AM. J. INT'L L. Pp. 141-143.
- Youm, K.H. & Marshall, J. (2009). **The Right of Reply and Freedom of the Press: An International and Comparative Perspective.**